

Ulumhadith

Twenty-seventh No 3
Autumn(Sep2023-Dec2023)

فصلنامه علمی علوم حدیث

سال بیست و هشتم شماره ۳ (پیاپی ۱۰۹)
پاییز، ص ۱۶۱ - ۱۸۳

تحلیل مصدرشناختی منقولات الإمامة و التبصرة من الحيرة

از مشایخی جز سعد اشعری و محمد بن یحیی العطار

انسی مخبری^۱
مجتبی سلطانی احمدی^۲
محمد غفوری نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

چکیده

بازشناسی مصادر نخستین حدیثی، دارای فواید حدیثی، کتاب شناختی و تاریخی متعددی است. علی بن بابویه در کتاب الإمامة و التبصرة من الحيرة - که قدیمی ترین تک نگاری موجود در شیعه در موضوع امامت و غیبت است - غیر از منقولات از سعد اشعری و محمد بن یحیی، در مجموع، ۳۷ حدیث نقل کرده است که پانزده مورد آن ها را بلاواسطه از عبدالله بن جعفر حمیری، هفت مورد از احمد بن ادریس، چهار مورد از علی بن ابراهیم و سه مورد آن ها را از حمزه بن قاسم، حسن بن احمد مالکی و محمد بن موسی دریافته است. در این پژوهش، با استفاده از روش هایی هم چون شناسایی بخش مشترک اسانید در گروهی از روایات پراکنده، هماهنگی موضوع روایت با موضوع کتابی که نام مؤلفش در سند حدیث ذکر شده است و انطباق سند حدیث با طریق به برخی کتاب های رجال سند در منابع فهرستی دریافتیم که محتمل ترین منابع مورد استفاده ابن بابویه در این منقولات، کتاب های: الغیبه، الإمامة و یا الفترة و الحيرة حمیری، النوادر احمد بن ادریس، التفسیر محمد بن خالد برقی، الملاحم یا التفسیر صفوان بن یحیی،

۱. دانشجوی مقطع دکتری رشته مدرسی معارف مبانی نظری اسلام، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
(ensi.mokhberi2021@gmail.com)

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه پیام نور تهران جنوب (msoltani94@pnu.ac.ir)

۳. دانشیار گروه شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب و مدیر گروه مطالعات تطبیقی اسلام و ادیان، پژوهشگاه امام رضا (ghafoori@urd.ac.ir)

الإمامه و تفسیر القرآن محمد بن عیسی بن عبید، التفسیر، القائم یا الملاحم علی بن مهزیار، الإمامه یونس بن عبدالرحمن، الإمامه محمد بن احمد بن یحیی، الإمامه ابن ابی عمیر، الإمامه محمد بن حسین بن ابی الخطاب، الغیبه یا البشارات حسن بن سماعه و النوادر بکر بن عبدالله است.

کلیدواژه‌ها: علی بن بابویه، الإمامة و التبصرة من الحیرة، امامت، غیبت، منابع حدیثی نخستین.

۱. طرح مسئله

ابوالحسن، علی بن حسین بن موسی بن بابویه (م ۳۲۹ق)، مشهور به صدوق اول یا صدوق پدر یکی از فقهای نام‌دار، از اصحاب فتوا و اجتهاد و در عصر خویش، رئیس فقها، محدثان و پیشوای مردم قم بوده است. شیعیان در امور دینی به او مراجعاتی داشته‌اند و فتوایش نزد همگان، نافذ و محترم بوده است.^۱ علی بن بابویه مورد عنایت خاصه حضرت امام زمان علیه السلام واقع شده است و نامه‌ای از سوی آن حضرت علیه السلام توسط حسین بن روح نوبختی به او رسیده و طی آن، بشارت تولد دو فرزند ذکور به او داده شده است.^۲

کتاب الإمامة و التبصرة من الحیرة، از تألیفات گران سنگ ابن بابویه است^۳ که به موضوع امامت به نحو عام و به موضوع غیبت امام مهدی علیه السلام به طور ویژه پرداخته است. طرفه، آن‌که مباحثی که درباره امامت در این اثر آمده، مباحثی است که با امر غیبت و شؤون آن مرتبط است. از این روی، سخن درباره این اثر با کسانی است که به «امامت» به عنوان اصلی از اصول مذهب باور دارند، ولی در شخص هر امامی، پس از امام دیگر، با هم اختلاف نظر پیدا نموده‌اند. این معنا از عناوین ابواب کتاب به خوبی پیداست. خط سیری که در این ابواب دنبال می‌شود، اتصال سلسله امامت از زمان حضرت آدم علیه السلام و خالی نبودن زمین از امام و حجت خدا (چه حاضر و چه غایب) و نیز انحصار امامت در خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله حسب نصوص وارده است. مؤلف در ابواب ۶ تا ۱۷ کتاب به نقد دیدگاه‌های کسانی می‌پردازد که از امامت ائمه اثنا عشر علیهم السلام روی گردانده و به امامت کسانی دیگر از این خاندان معتقد شده و یا این‌که در یکی از ایشان متوقف شده‌اند.^۴ در برخی دیگر از ابواب

۱. رجال النجاشی، ص ۲۶۳؛ فهرست الطوسی، ص ۲۷۳.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۶۱.

۳. همان.

۴. الإمامة و التبصرة من الحیرة، ص ۵۴-۸۱.

کتاب، با اعتقاد فرقه‌هایی از شیعه که به انکار امامت برخی امامان دوازده‌گانه گراییده، یا در امامت ایشان دچار شک گردیده و یا کسی را با امام در امر امامت شریک ساخته‌اند به معارضه و مبارزه پرداخته است.^۱ مؤلف کتاب اما، در خصوص موضوع «غیبت»، دست به ابداع و نوآوری زده است؛ چرا که میان روش اهل حدیث که تنها برنصوص اعتماد می‌ورزند و بین اسلوب اهل کلام که به بحث آزاد از قید و بند نصوص ملتزمند، گرد آورده است. از این روی در مقدمه کتاب تمام فروض و تشکیکات را به روش متکلمان مورد بررسی قرار داده، سپس نتایج به دست آمده را برای رسیدن به محتوای نصوص به کار می‌گیرد.^۲ از سویی، چونان محدثی محض به بررسی حدیث از جوانب مختلف پرداخته تا سرانجام به نتایج مورد نظر براساس تعبد و انقیاد به سنت شریف معصومان علیهم‌السلام دست یابد. متأسفانه اثر حاضر دچار نقص و کاستی شده و بخشی که مرتبط با امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و فرجه‌الشریفات و غیبت ایشان است، در دسترس نیست. اما خوشبختانه آن مقدار که از آن باقی مانده، خط سیر بحث را به نحو کلی برای ما ترسیم می‌نماید و هدف اصلی مؤلف را از نگارش آن بیان می‌دارد. این نقص و کاستی توسط محقق اثر، با توجه به همان سیر بحث که مؤلف ترسیم نموده است، جبران گردیده و ایشان درباره موضوع اصلی کتاب مطالبی نگاشته‌اند.^۳

کتاب الإمامة و التبصرة من الحيرة از گنجینه‌های ارزشمندی است که از هجوم حوادث و وقایع شکننده محفوظ مانده و به ویژه در موضوع غیبت قدیمی‌ترین اثری است که در دسترس ما قرار دارد؛ چرا که مؤلف آن، متوفای سال ۳۲۹ق، است و مؤلفان دیگر غیبت‌نگاری‌های موجود هم چون نعمانی، شیخ صدوق، شیخ طوسی، سید مرتضی و شیخ مفید همگی بعد از عصر ابن بابویه آثار خود را نگاشته‌اند.^۴

در هر روی می‌دانیم جوامع حدیثی که در سده‌های سوم و چهارم هجری به بعد، نگاشته شده‌اند، برگرفته از متونی هستند که در دوره‌های متقدم نوشته شده و غالباً به دست ما نرسیده‌اند.^۵ براین اساس، می‌توان ادعا کرد بسیاری از متون سلف، با کمک مجموعه‌های

۱. همان، ص ۹۰ و ۹۱.

۲. همان، بخش مقدمه.

۳. رک: همان، بخش استدراک.

۴. برای مطالعه بیش‌تر درباره جایگاه کتاب رک: مقدمه الإمامة و التبصرة من الحيرة، ص ۱۱-۱۹. برای رد برخی تردیدها در انتساب کتاب به ابن بابویه رک: «حدیث‌شناسی الإمامة و التبصرة من الحيرة»، ص ۱۸۱.

۵. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: مدخل «تدوین حدیث» در دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۷۴۹-۷۵۵.

به جا مانده از سده‌های بعد قابل بازشناسی و بازسازی اند. ^۱گفتنی است که مفهوم «بازشناسی» متفاوت از مفاهیم «بازسازی» و «بازیابی» است؛ چرا که بازیابی به معنای گردآوری قطعات پراکنده و باقیمانده یک مصدر مفقود از مصادر بعدی و چیدن آن‌ها در کنار هم است؛ اما بازسازی عبارت است از ساختن دوباره مصدر بر اساس ویژگی‌های اصیل و اولیه آن. در حقیقت، به معنای بازگرداندن مصدر به شکل نخستین است. بنابراین، بازیابی متون مفقود را نباید با بازسازی آن‌ها یکی دانست؛ بلکه بازیابی یک اثر مفقود، مقدمه‌ای برای بازسازی آن به شمار می‌رود. ^۲

تحلیل مصدرشناختی احادیث شیعه فواید مهمی دارد؛ از آن جمله می‌توان به: بررسی کلی روایات راوی و کتاب او، شناخت نُسَخ مختلف و حل تعارض روایات، شناخت بهتر محتوای آثار مفقود و بازیابی تمام یا قسمت‌هایی از آن‌ها، کمک به کشف اشتباه استنادات مشهور، کشف اضافات و الحاقات به کتب، و کشف کتاب یا مؤلف جعلی اشاره کرد. ^۳ اما بی‌تردید، مهم‌ترین فایده این تحلیل به اعتبارسنجی احادیث برمی‌گردد.

توضیح، آن‌که گزارش‌های فراوان برجای مانده از محدثان متقدم امامی، حکایت از آن دارد که منابع مکتوب حدیثی در فرآیند احراز صدور نزد محدثان متقدم امامی نقش بسزایی داشته است. ^۴

نمونه روشنی از توجه متقدمان به نقش و تأثیر مؤلفه‌های کتاب‌محور در ارزیابی‌های صدوری احادیث در مقدمه کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) بازتاب یافته است. ^۵ شماری از عالمان متأخر، همچون شیخ بهایی، میرداماد، ملا محمدامین استرآبادی و فیض کاشانی نیز براین حقیقت تأکید دارند. تأثیر این مؤلفه‌ها تا بدان جاست که همین عالمان از آن به مثابه یکی از تفاوت‌های بنیادین میان

۱. برای نمونه می‌توان از این آثار نام برد: «کتاب حلبی منابعی مکتوب در تألیف الکافی»، «بازشناسی مصادر کتاب الغیبه طوسی»، «فهارش الشیعه»، «بازشناسی منابع کلینی در تدوین کافی»، «الکاتب النعمانی و کتابه الغیبه»، «تبارشناسی منابع روایات اعتقادی الکافی»، «بازشناسی مصادر حدیث کتاب الغیبه نعمانی» و مهدویت‌نگاری در سده‌های نخستین.

۲. برای مطالعه بیشتر درباره مفهوم بازیابی و تفاوت آن با بازسازی رک: بازسازی متون کهن حدیث شیعه، ص ۶۰-۶۴.

۳. «بازشناسی مصادر احادیث کتاب الغیبه نعمانی»، ص ۶.

۴. برای تفصیل رک: «نگاهی به نقش وجایگاه مؤلفه‌های کتاب‌محور در ارزیابی‌های حدیثی قدما در پرتوی تحلیل منابع فهرستی؛ «منبع معتبر و نشانه‌های آن نزد متحدثان قدیم امامی: نگاهی به جایگاه منبع مکتوب در حدیث پژوهی قدما».

۵. رک: من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳-۴.

حدیث پژوهی متقدمان و متأخران یاد کرده‌اند.^۱

نتایج توجه قدما به اعتبار کتاب‌های اولیه حدیثی در اوصافی چون «مُعْتَمَدٌ»، «مُعْتَمَدٌ عَلَیْهِ» و «مَعْمُولٌ عَلَیْهِ / عَلَیْهَا» در فهرس کهن برجای مانده بازتاب یافته است.^۲

معیارهای متعددی در این جا مورد توجه بوده است که عرضه کتاب بر امام و تأیید آن از جمله آن‌هاست. گزارش‌های متعدد درباره عرضه کتب حدیثی بر ائمه علیهم‌السلام و پرسش از اعتبار آن‌ها نشان از وجود سازوکاری هرچند محدود میان شاگردان ائمه علیهم‌السلام برای اطمینان به صدور احادیث موجود در این کتاب‌ها دارد که همین محتوای تأیید شده از سوی ائمه علیهم‌السلام مورد توجه محدثان پسین نیز بوده است.^۳ مقبولیت کتاب نزد محدثان و مدارس حدیثی، معیار دیگر از این دست است. مقبولیت کتاب نزد محدثان و مدارس حدیثی و توجه به شهرت کتاب و روایت نیز، از جمله قرائن مهم بر صدور احادیث بوده است.^۴ ظاهراً توصیه ائمه علیهم‌السلام به روایات مشهور و کنار نهادن احادیث شاذ در تقویت این توجه موثر بوده است.^۵ وجود حدیث در کتاب و اصل یک مؤلف یا راوی از دیگر نشانه‌های توجه به ارزیابی کتاب محور از سوی قدماست. نمونه‌ای از کاربرد این معیار را می‌توان در ارزیابی شیخ مفید از حدیثی منقول از محمد بن یعقوب بن شعیب از پدرش از امام صادق علیه‌السلام مشاهده نمود.^۶

برای تحلیل مصدرشناختی احادیث کتاب الإمامة و التبصرة من الحيرة این احادیث را بر اساس مشایخ بلاواسطه ابن بابویه پدر دسته‌بندی کردیم. بر اساس این دسته‌بندی معلوم شد که ایشان احادیث کتاب را از هشت تن از مشایخ نقل کرده است که پربسامدترین آن‌ها سعد بن عبدالله اشعری با ۳۷ مورد و سپس محمد بن یحیی با ۲۳ مورد است. بررسی

۱. مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین، ص ۲۶۹؛ الروایح السماویة، ص ۱۶۱؛ الفوائد المدنیة و الشواهد المکیة، ص ۳۰، ۴۹، ۵۸، ۷۸-۷۹، ۸۷-۸۸، ۱۰۹-۱۱۳، ۱۲۲-۱۳۱، ۱۷۷-۱۷۸؛ الوافی، ج ۱، ص ۲۲-۲۶.

۲. برای نمونه رک: رجال النجاشی، ص ۵۸؛ فهرست الطوسی، ص ۳۹، ۱۵۸، ۲۵۶، ۲۸۵، ۳۰۵ و ۳۳۵.

۳. برای نمونه رک: الکافی، ج ۷، ص ۳۱۱، ۳۲۴، ۳۳۰، ۳۶۲؛ ج ۱۰، ص ۲۶۷، ۲۸۵، ۲۹۴؛ «عرضه حدیث بر امامان علیهم‌السلام»؛ قسمت اول، ص ۲۹-۵۴؛ «عرضه حدیث بر امامان علیهم‌السلام»؛ قسمت دوم، ص ۱۲۰-۱۶۹؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۴ و ۱۰۶.

۴. برای نمونه رک: تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۳۰، ص ۲۴۴.

۵. رک: الکافی، ج ۱، ص ۶۷-۶۸.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۰؛ رک: «نگاهی به نقش و جایگاه مؤلفه‌های کتاب محور در ارزیابی‌های حدیثی قدما در پرتو تحلیل منابع فهرستی»؛ «منبع معتبر و نشانه‌های آن نزد محدثان متقدم امامی: نگاهی به جایگاه منبع مکتوب در حدیث پژوهی قدما».

مصدرشناختی منقولات ابن بابویه از این دو راوی، در دو نوشتار مجزا از همین قلم صورت گرفته است. از این رو، در این نوشتار به تحلیل مصدرشناختی روایات منقول از شش تن از مشایخ دیگر ابن بابویه، یعنی عبدالله بن جعفر حمیری، احمد بن ادریس، علی بن ابراهیم، حمزه بن قاسم، حسن بن احمد مالکی و محمد بن موسی همدانی می‌پردازیم که تعداد آن‌ها جمعاً به ۳۷ روایت می‌رسد.

۲. درآمدی روش شناختی

برای اثبات وجود یک کتاب به عنوان یک منبع مکتوب، باید قرینه‌ای استوار بر ثبوت چنین کتابی در سند آن حدیث یا تصریحی در دیگر منابع معتبر مثل کتب فهارس، کتب تاریخی یا کتب ملل و نحل وجود داشته باشد. گاه برای یک مؤلف در فهارس فقط یک کتاب ذکر شده است. گاه نیز، مؤلفی صاحب چندین اثر است. در این صورت، طریق کشف مصدر مکتوب از بین کتب وی، دقت در متن حدیث و تطبیق محتوای حدیث با عنوان کتبی است که در منابع رجالی به آن مؤلف نسبت داده‌اند.^۱

قرینه‌هایی تشخیص مصدر مکتوب احادیث را میسر می‌کنند:

۱. توجه به تکرار بخش‌های آغازین سند یا تعلیق سند به اضممار در گروهی از روایات

پی‌درپی؛

۲. شناسایی بخش مشترک اسانید در گروهی از روایات پراکنده؛

۳. مبهم نبودن نام راویان در طریق منتهی به کتاب و ابهام راویان پس از او؛

۴. وجود تحویل یا اضممار در سند به‌گونه‌ای خاص؛ مطالعات فرعی

۵. هماهنگی موضوع روایت با موضوع کتابی که نام مؤلفش در سند حدیث ذکر

شده است؛

۶. اخذ مستقیم حدیث از مشایخ با واسطه؛

۷. انطباق سند حدیث با طریق به برخی کتاب‌های رجال سند در منابع فهرستی.

هفت مورد از مهم‌ترین قرائن هستند.^۲

در این پژوهش قرائن دوم، پنجم و هفتم بیشترین کارایی را داشته‌اند. در خلال این

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: الکاتب النعمانی و کتابه الغیبه، ص ۱۸۸-۲۰۸.

۲. برای تفصیل رک: همان.

پژوهش، برای اشاره به این قراین، از آن‌ها با شماره ترتیب فوق نام برده شده و از توضیح مکرر هر قرینه، ذیل احادیث خودداری گردیده است. نیز، لازم به توضیح است که به طور معمول، پژوهش‌گران با اتکا به قراین مذکور، سعی در کشف مصادر نخستین احادیث می‌نمایند. در این تحقیق، علاوه بر استفاده از این شیوه، برای نخستین بار تلاش کرده‌ایم تا برخی طرق انتقال کتب حدیثی کهن را - که در منابع فهرستی منعکس نشده است - براساس اسناد احادیث بازیابی نماییم. توضیح، این‌که صاحبان فهرس، مشخصاً نجاشی و شیخ طوسی، خود در مقدمه آثارشان متذکر گردیده‌اند که ملتزم به ذکر تمام طرق خود به کتاب‌های گزارش شده نیستند.^۱ ما در این پژوهش در اسانیدی که طبق برخی قراین، به یک منبع مکتوب حدیثی منتهی می‌شود و در منابع فهرستی به عنوان طریق به کتاب مزبور منعکس نشده است، احتمال داده‌ایم که آن اسانید، در عرض طرق مذکور در منابع فهرستی، طریقی برای انتقال آن کتاب بوده و صاحبان فهرس به جهت اختصار از ذکر آن صرف نظر کرده‌اند. بدین ترتیب، در مواردی از دل اسانید، داده‌های فهرستی و کتاب‌شناختی نیز استخراج شده است.

۳. منقولات ابن بابویه از عبدالله بن جعفر حمیری

عبدالله بن جعفر حمیری محدث و فقیه بزرگ شیعه و از عالمان برجسته مکتب قم بوده است و جزو یاران امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام به شمار می‌رود.^۲ علامه حلی وی را شیخ قمیان و چهره‌ای برجسته در میان آنان معرفی می‌کند^۳ که جایگاهی بالاتر از وثاقت است. این محدث عظیم‌الشأن، کتب بسیاری تصنیف نموده است. شیخ طوسی پانزده کتاب از جمله: کتاب الإمامه، الغیبه، الفتره و الحیره، المسائل و التوفیعات، قرب الإسناد إلی صاحب الأمر و... را برای ایشان ذکر می‌کند.^۴ و نجاشی نیز، ۲۶ کتاب برای وی می‌شمارد.^۵ البته این کتب از بین رفته و یا تاکنون به دست ما نرسیده‌اند و تنها یک کتاب از این محدث بزرگ به یادگار مانده است و آن، کتاب معروف قرب الإسناد است که یکی از منابع و مأخذ

۱. رجال النجاشی، ص ۳؛ فهرست الطوسی، ص ۴.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۱۹؛ رجال الطوسی، ص ۳۸۹.

۳. رجال العلامة الحلی، ص ۱۰۶.

۴. فهرست الطوسی، ص ۲۹۴.

۵. رجال النجاشی، ص ۲۱۹.

کتب اربعه شيعه بوده است. علی بن بابويه در طریق انتقال تمامی کتب وی مذکور است.^۱ بنابراین، به احتمال بسیار قوی، ابن بابويه منقولات خود از عبدالله بن جعفر را از آثار وی گرفته است؛ در عین این که احتمالات دیگری نیز وجود دارد؛ اخذ حدیث از منابعی متقدم بر آثار عبدالله بن جعفر - که به واسطه وی به ابن بابويه رسیده است - از آن جمله است.

چنان که پیش تر گفته شد، ابن بابويه در کتاب خود، پانزده مورد از اسناد احادیثش را با نام عبدالله بن جعفر آغاز نموده است. تشخیص قطعی این که این احادیث به طور مستقیم از کتب مرتبط وی گرفته شده یا از کتب دیگران، مشکل و نیازمند بررسی های دقیق و تخصصی است. در تمام منقولات ابن بابويه از عبدالله بن جعفر، در کنار احتمال قوی اخذ حدیث از کتاب های عبدالله بن جعفر - که به خاطر پیش گیری از تکرار، در تحلیل های ذیل احادیث عمدتاً از ذکر آن صرف نظر کرده ایم - همواره این احتمال هم وجود دارد که عبدالله بن جعفر نیز، این احادیث را از منابع متقدم بر خود گرفته باشد. این، از آن رو است که بسیاری از رجال واقع در اسناد این احادیث، دارای تألیف یا تألیفاتی در زمینه امامت و غیبت بوده اند. بنابراین بسیاری از احتمالات و تحلیل های مصدرشناختی که در این تحقیق، در ذیل احادیث آورده ایم، در عرض یکدیگر نبوده و با هم قابل جمع است؛ در عین این که احتمالات دیگری نیز وجود دارد که در مواردی دریافت شفاهی احادیث، از آن جمله است.

لازم به یادآوری است تحلیل های مصدرشناختی در این تحقیق به ترتیب کهن ترین منبع مکتوب مرتب گردیده است.

در هر روی، منقولات حمیری در کتاب الإمامة و التبصرة من الحيرة از دوازده تن روایت شده و اسناد این منقولات با درج شماره حدیث در کتاب، در جداولی در ذیل ارائه گردیده است. در هر مورد، پس از ذکر اسانید و بازسازی آن در جداول، به تحلیل مصدرشناختی هر یک از احادیث پرداخته ایم.

۱-۳. منقولات حمیری از احمد بن محمد بن عیسی اشعری

حدیث ۷۵. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ الْبَرْقِيِّ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً: عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ، عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ، عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ، عَنْ

۱. همان، ص ۲۱۹؛ فهرست الطوسی، ص ۲۹۴.

مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.

احمد بن محمد بن عیسی، بنا برسخن نجاشی شیخ قمیان، فقیه آنان و از چهره‌های برجسته‌ای است که درباره آنان حرف و حدیثی وجود ندارد.^۱ همه رجال این سند از اجلای اصحاب بوده و سند از ناحیه رجالی در رتبه بالایی از اعتبار قرار دارد. طبق قرینه هفتم^۲ کتاب یحیی حلبی از مصادر کهن این حدیث بوده است. به ادعای نجاشی، وی کتابش را بر امام صادق عليه السلام عرضه نموده و آن حضرت عليه السلام آن را تصحیح فرموده‌اند.^۳ این احتمال هم وجود دارد که نضر بن سوید نیز این حدیث را در کتاب خود^۴ که نجاشی آن را کتاب النوادر معرفی کرده است.^۵ به نقل از کتاب یحیی ذکر نموده است. قرینه هفتم^۶ و نیز، ذکرواژه «جمیعاً» در سند حدیث، این احتمال را تقویت می‌نماید.

همچنین، احتمال دارد حسین بن سعید در کتاب التفسیر یا الملاحم خود^۷ این حدیث را به نقل از کتاب نضر بن سوید و یا یحیی حلبی روایت کرده باشد. محتوای حدیث با عناوین هردو کتاب وی مرتبط است؛ اما ذکر آیات قرآن کریم در متن حدیث و توضیحات امام صادق عليه السلام پیرامون آن، احتمال نقل حدیث در کتاب التفسیر او را تقویت می‌نماید. نیز، می‌توان گفت محمد بن خالد برقی در کتاب التفسیر خود^۸ این حدیث را به نقل از کتاب حسین بن سعید یا نضر بن سوید و یا یحیی حلبی ذکر نموده است.

حدیث ۷۶. وَ [عبدالله بن جعفر]، عَنْهُ [احمد بن محمد بن عیسی]، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: قُلْتُ لَهُ

طبق قرینه پنجم، منبع مکتوب اخذ این حدیث، کتاب الملاحم یا التفسیر صفوان بن یحیی است.^۹ محتوای حدیث با عناوین هردو کتاب مرتبط است؛ اما ذکر آیه‌ای از قرآن

۱. رجال النجاشی، ص ۸۲.

۲. فهرست الطوسی، ص ۵۰۱.

۳. رجال النجاشی، ص ۲۳۱.

۴. فهرست الطوسی، ص ۴۸۱.

۵. رجال النجاشی، ص ۴۲۷.

۶. فهرست الطوسی، ص ۴۸۱.

۷. رجال النجاشی، ص ۵۸؛ فهرست الطوسی، ص ۱۴۹.

۸. رجال النجاشی، ص ۳۳۵؛ فهرست الطوسی، ص ۴۱۸.

۹. رجال النجاشی، ص ۱۹۷؛ فهرست الطوسی، ص ۲۴۱.

کریم و توضیحات امام صادق علیه السلام پیرامون آن در متن حدیث، احتمال اخذ حدیث از کتاب التفسیر را تقویت می‌نماید.

همچنین، طبق سند این حدیث، می‌توان گفت کتب صفوان بن یحیی به طریقی غیر از آنچه در فهرس ذکر شده به دست ابن بابویه رسیده است. به عبارت دیگر، سند این حدیث نیز، می‌تواند طریقی دیگری بر انتقال کتب صفوان بن یحیی باشد که در منابع فهرستی به آن اشاره‌ای نشده است. حدیث ۷۷. و [عبدالله بن جعفر]، عَنْهُ [احمد بن محمد بن عیسی]، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام اگر عبارت «له روایات»، که شیخ طوسی آن را درباره محمد بن عبدالجبار به کار برده^۱ به معنای «له کتاب» و یا «له کتاب نوادر» در نظر گرفته شود،^۲ طبق قرینه هفتم^۳ احتمال می‌رود این حدیث از کتاب محمد بن عبدالجبار اخذ شده باشد؛ هر چند این عبارت در فهرست شیخ طوسی، معانی متفاوتی را شامل می‌گردد.^۴ در هر روی، مصدر مستقیم این حدیث، کتاب الإمامه یا الفترة و الحیره عبدالله بن جعفر است.^۵

۲-۳. منقولات حمیری از محمد بن عیسی بن عبید

حدیث ۸۲. وَعَنْهُ [عبدالله بن جعفر]، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ جَلِيسٍ لَهُ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: قَالَ: قُلْتُ لَهُ.

حدیث ۸۴. وَعَنْهُ [عبدالله بن جعفر]، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ.

قوی‌ترین احتمال طبق قرینه دوم (اشتراک سند این دو حدیث با یکدیگر تا محمد بن عیسی بن عبید) و پنجم، مصدر مکتوب اخذ حدیث ۸۲، کتاب الإمامه و یا تفسیر القرآن محمد بن عیسی و در حدیث ۸۴، کتاب الإمامه وی است.^۶ مضمون حدیث ۸۲ با عناوین هردو کتاب مرتبط است؛ اما با توجه به ذکر آیه‌ای از قرآن کریم در متن حدیث و توضیحات امام باقر علیه السلام درباره آن، احتمال نقل حدیث در کتاب تفسیر القرآن او تقویت می‌شود.

۱. فهرست الطوسی، ص ۴۱۵.

۲. برای مطالعه بیشتر در این باره رک: «کاربرد له روایات و ارتباط آن با کتب النوادر»، ص ۹۸-۱۲۵.

۳. فهرست الطوسی، ص ۴۱۵.

۴. رک: «کاربرد له روایات و ارتباط آن با کتب النوادر»، ص ۹۸-۱۲۵.

۵. رجال النجاشی، ص ۲۱۹؛ فهرست الطوسی، ص ۲۹۴.

۶. رجال النجاشی، ص ۳۳۳؛ فهرست الطوسی، ص ۴۰۲.

۳-۳. نقل حمیری از سنّدی بن محمد

حدیث ۱۴. الْحَمِيرِيُّ، عَنِ السِّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ.

طبق قرینه پنجم، مصدر مکتوب اخذ این حدیث، کتاب الغیبه یا الإمامه عبدالله بن جعفر است.^۱ با توجه به فقدان قراین فهرستی، احتمال اخذ شفاهی حمیری از مشایخ متقدم بر خود، تقویت می شود.

۳-۴. نقل حمیری از ابراهیم بن هاشم قمی

حدیث ۱۵. وَعَنْهُ [عبدالله بن جعفر]، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصٍ، عَنْ عَيْشِمِ بْنِ أَسْلَمَ، عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارِبِيِّ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ.

طبق قرینه پنجم، مصدر مکتوب اخذ این حدیث، کتاب الغیبه یا الإمامه عبدالله بن جعفر است.^۲ در این حدیث نیز، با توجه به فقدان قراین فهرستی، احتمال اخذ شفاهی حمیری از مشایخ متقدم بر خود، تقویت می شود.

۳-۵. نقل حمیری از ابی القاسم هاشمی

حدیث ۲۰. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ الْهَاشِمِيِّ، عَنْ عُبَيْدِ بْنِ قَيْسِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ سَمَاعَةَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ.

طبق قرینه پنجم، مصدر مکتوب اخذ این حدیث، کتاب الغیبه یا البشارات حسن بن سماعه است.^۳

همچنین، مطابق سند این حدیث، می توان گفت کتب حسن بن سماعه به طریقی غیر از آنچه در فهرس ذکر شده، به دست ابن بابویه رسیده است. به عبارت دیگر، سند این حدیث نیز، می تواند طریقی دیگری بر انتقال کتب حسن بن سماعه باشد.

۳-۶. نقل حمیری از ابراهیم بن مهزیار

حدیث ۳۲. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي سَلَامٍ، عَنْ سَوْرَةَ بْنِ كَلَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام.

۱. رجال النجاشی، ص ۲۱۹؛ فهرست الطوسی، ص ۲۹۴.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۱۹؛ فهرست الطوسی، ص ۲۹۴.

۳. رجال النجاشی، ص ۴۰؛ فهرست الطوسی، ص ۱۳۳.

طبق قرینه پنجم، مصدر مکتوب این حدیث، کتاب التفسیر فی القرآن محمد بن سنان است.^۱ و حسین بن سعید در کتاب التفسیر خود، از کتاب وی نقل نموده است.^۲ نیز، می توان گفت علی بن مهزیار هم، این حدیث را در کتاب التفسیر خویش به نقل از کتاب حسین بن سعید و یا محمد بن سنان، ذکر نموده است.^۳

از دیگر سو، محتمل است مطابق سند این حدیث، علی بن مهزیار، در طریق انتقال کتب حسین بن سعید و یا محمد بن سنان قرار داشته است؛ هرچند در کتب فهرستی به آن اشاره ای نشده است. همچنین می دانیم که ابراهیم بن مهزیار، کتب برادرش، علی را روایت نموده است.^۴

۳-۷. نقل حمیری از علی بن اسماعیل اشعری قمی

حدیث ۳۳. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ سَعْدَانَ، عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ.

طبق قرینه پنجم، مصدر مکتوب اخذ این حدیث، کتاب الإمامه عبدالله بن جعفر است.^۵ همچنین، فقدان قراین فهرستی، احتمال اخذ شفاهی حمیری از مشایخ متقدم بر خود را تقویت می نماید.

۳-۸. نقل حمیری از محمد بن اسحاق بغدادی

حدیث ۴۳. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ الْبَغْدَادِي، عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَارِثَةَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ.

طبق قرینه پنجم، این حدیث از کتاب الإمامه عبدالله بن جعفر گرفته شده است.^۶ در این حدیث نیز، با توجه به فقدان قراین فهرستی، احتمال اخذ شفاهی حمیری از مشایخ متقدم بر خود، تقویت می گردد.

۳-۹. نقل حمیری از محمد بن حسین بن ابی الخطاب

حدیث ۴۴. وَ عَنْهُ [عبدالله بن جعفر]، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي

۱. رجال النجاشی، ص ۳۲۸؛ فهرست الطوسی، ص ۴۰۶.

۲. رجال النجاشی، ص ۵۸؛ فهرست الطوسی، ص ۱۴۹.

۳. رجال النجاشی، ص ۲۵۳؛ فهرست الطوسی، ص ۲۶۵.

۴. همان.

۵. رجال النجاشی، ص ۲۱۹؛ فهرست الطوسی، ص ۲۹۴.

۶. رجال النجاشی، ص ۲۱۹؛ فهرست الطوسی، ص ۲۹۴.

نَجْرَانَ، عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ، عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ. طبق قرینه پنجم، منبع مکتوب اخذ این حدیث، کتاب الإمامه محمد بن حسین است.^۱

۱۰-۳. نقل حمیری از یعقوب بن یزید

حدیث ۴۵. وَعَنْهُ [عبدالله بن جعفر]، عَنْ يَعْقُوبِ بْنِ يَزِيدَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَظْطِينَ، عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ. احتمال می رود حمیری، حدیث را از کتاب النوادر یعقوب بن یزید گرفته باشد؛ زیرا شیخ طوسی او را دارای کتبی از جمله کتاب النوادر معرفی می نماید. در طریق شیخ طوسی به این کتاب، عبدالله بن جعفر حمیری ذکر شده است.^۲

۱۱-۳. نقل حمیری از محمد بن عبدالحمید عطار

حدیث ۸۱. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام. به دلیل یکی بودن عنوان باب این حدیث با کتاب النوادر محمد بن عبدالحمید، می توان گفت که حدیث از کتاب وی اخذ شده است.^۳

۱۲-۳. نقل حمیری از محمد بن عمرو کاتب

حدیث ۸۳. وَعَنْهُ [عبدالله بن جعفر]، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو الْكَاتِبِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّبِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ (صاحب العسکر) عليه السلام. طبق قرینه پنجم، مصدر مکتوب اخذ این حدیث، کتاب القائم یا الملاحم علی بن مهزیار است.^۴ مضمون حدیث با عناوین هردو کتاب مرتبط است؛ اما به قرینه سؤال از فرج در متن حدیث، احتمال اخذ از کتاب القائم تقویت می شود. نیز، می توان گفت که کتب وی به طریقی غیر از آنچه در فهرس آمده، به دست ابن بابویه رسیده است. به عبارت دیگر، سند این حدیث می تواند طریق دیگری بر انتقال کتب علی بن مهزیار باشد که در منابع فهرستی به آن اشاره ای نشده است.

۱. رجال النجاشی، ص ۳۳۴.

۲. رک: فهرست الطوسی، ص ۵۰۸.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۳۹.

۴. رجال النجاشی، ص ۲۵۳؛ فهرست الطوسی، ص ۲۶۵.

۴. منقولات ابن بابویه از احمد بن ادریس اشعری قمی

احمد بن ادریس، فقیه نام‌دار، محدث و یکی از چهره‌های شهرقم است که در قرن سوم هجری زندگی می‌نمود. نجاشی و شیخ طوسی او را ثقه، کثیرالحدیث و صحیح الروایه خوانده‌اند.^۱ او توفیق یافت به محضرامام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شود، ولی از ایشان علیه السلام روایت نکرده است.^۲ وی صاحب کتاب پرفایده النوادر بوده است.^۳ تعداد بالای اساتید و شاگردانش از دیگر ویژگی‌های احمد بن ادریس است که به عنوان تابعی از کثیرالحدیث بودن او قابل تحلیل است. در این میان، یکی از مشهورترین شاگردان او، علی بن بابویه است.^۴

همان‌گونه که پیش‌تر مذکور افتاد، ابن بابویه در این کتاب، هفت حدیث را با نام استاد خود، احمد بن ادریس آغاز نموده است. در این میان، در دو حدیث ۵۹ و ۸۶، در طبقه مشایخ ابن بابویه، احمد بن ادریس و محمد بن یحیی بریکدیگر عطف شده‌اند.

تشخیص قطعی این‌که این احادیث به طور مستقیم از کتاب النوادر احمد بن ادریس گرفته شده یا از کتب دیگران، مشکل و نیازمند بررسی‌های دقیق و تخصصی است. در تمام منقولات ابن بابویه از احمد بن ادریس در کنار احتمال قوی اخذ احادیث از کتاب النوادر احمد بن ادریس، همواره این احتمال هم، وجود دارد که این راویان نیز، این احادیث را از منابع متقدم بر خود گرفته باشند؛ چنان‌که پیش‌تر اشاره کردیم، این از آن رواست که بسیاری از رجال واقع در اسناد این احادیث دارای تألیف یا تألیفاتی در زمینه امامت بوده‌اند.

در هر روی، منقولات احمد بن ادریس در کتاب الإمامة و التبصرة من الحیة از چهارتن روایت شده است:

۱-۴. منقولات احمد بن ادریس از عبدالله بن محمد بن عیسی ملقب به بُنان

حدیث ۱۳. أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْخَشَّابِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ كَرَّامٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.

این حدیث می‌تواند از کتاب الرد علی الواقفیه حسن بن موسی گرفته شده باشد شود.^۵

۱. رجال النجاشی، ص ۹۲؛ فهرست الطوسی، ص ۶۴.

۲. رجال الطوسی، ص ۳۹۷.

۳. رجال النجاشی، ص ۹۲؛ فهرست الطوسی، ص ۶۴.

۴. معجم رجال الحدیث و تفصیل الروایة، ج ۲، ص ۴۲.

۵. رجال النجاشی، ص ۴۲؛ فهرست الطوسی، ص ۱۲۳.

محتمل است احمد بن ادریس نیز این حدیث را در کتاب النوادر خود، نقل نموده باشد.^۱ احتمال نقل شفاهی ابن بابویه از احمد بن ادریس را نیز، نمی‌توان از نظر دور داشت. حدیث ۶۶. أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ، قَالَ: مَاتَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام. طبق قرینه پنجم، مصدر مکتوب اخذ این حدیث کتاب الإمامه یونس بن عبدالرحمن است.^۲ این احتمال به قرینه حدیثی در کتاب علل الشرایع تقویت می‌شود؛^۳ زیرا شیخ صدوق در آن مجال، صدر این حدیث را با سندی متفاوت تا احمد بن فضل بیان نموده است؛ بدین معنا که احمد بن فضل و یونس بن عبدالرحمن در هر دو سند مشترک‌اند. احمد بن فضل که در کتب فهرستی صاحب تألیف معرفی نشده است؛ لذا احتمال اخذ حدیث از کتاب یونس بن عبدالرحمن تقویت می‌گردد.

همچنین، مطابق سند این حدیث، می‌توان گفت کتاب یونس بن عبدالرحمن به طریقی غیر از آنچه در کتب فهرستی ذکر شده به دست ابن بابویه رسیده است. به عبارت دیگر، سند این حدیث، می‌تواند طریق دیگری برای انتقال کتاب یونس بن عبدالرحمن تلقی گردد.

۲-۴. منقولات احمد بن ادریس از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری

حدیث ۴۷. أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام.

طبق قرینه دوم (اشتراک سند حدیث تا محمد بن احمد بن احمد با حدیث ۸۶) و پنجم، مصدر مکتوب اخذ این حدیث کتاب الإمامه محمد بن احمد است.^۴ حدیث ۸۶. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، وَأَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ.

قوی‌ترین احتمال به قرینه دوم (اشتراک سند حدیث تا محمد بن احمد با حدیث ۴۷) و پنجم، اخذ حدیث از کتاب الإمامه محمد بن احمد است.^۵ احتمالاً به دلیل یکی بودن

۱. رجال النجاشی، ص ۹۲؛ فهرست الطوسی، ص ۶۴.

۲. رجال النجاشی، ص ۴۴۶.

۳. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳۵.

۴. رجال النجاشی، ص ۳۴۸.

۵. همان، ص ۳۴۸.

عنوان باب این حدیث با عنوان کتاب النوادر احمد بن ادریس می‌توان حکم کرد که او این حدیث را در کتاب خود آورده بوده است.^۱

۳-۴. منقولات احمد بن ادریس از احمد بن محمد بن عیسی

حدیث ۵۱. أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ:

حدیث ۶۷. أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ النَّجَّاشِيِّ الْأَسَدِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا عليه السلام.

می‌تواند از یکی از کتب: الملاحم، النوادر و یا الطرائف محمد بن سنان گرفته شده باشد.^۲ همچنین، محتمل است هر دو حدیث در زمانی نزدیک تر به ابن بابویه و از کتاب النوادر احمد بن ادریس آمده باشد.^۳ درباره این احادیث نیز، با توجه به ضعف و کمبود قراین اخذ از منبع مکتوب، احتمال نقل شفاهی را نمی‌توان از نظر دور داشت.

۴-۴. نقل احمد بن ادریس از محمد بن عبد الجبار

حدیث ۵۹. أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ، عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ، قَالَ

چنان‌که در ذیل حدیث ۷۷ در بخش ۳-۱. مقاله گذشت، اگر عبارت «له روایات» - که شیخ طوسی آن را درباره محمد بن عبد الجبار به کار برده - به معنای «له کتاب» و یا «له کتاب نوادر» در نظر گرفته شود، طبق قرینه هفتم احتمال می‌رود این حدیث از کتاب محمد بن عبد الجبار اخذ شده باشد.^۴ در این مورد این حدیث نیز، با توجه به ضعف و کمبود قراین اخذ از منبع مکتوب، احتمال نقل شفاهی را نمی‌توان از نظر دور داشت.

۵. منقولات ابن بابویه از علی بن ابراهیم بن هاشم قمی

علی بن ابراهیم از راویان بزرگ و موثق شیعه و از یاران امام هادی عليه السلام محسوب می‌شود؛ با این حال، در منابع معتبر شیعه، هیچ روایتی از امام هادی عليه السلام و نیز، دیگر امامان معصوم عليهم السلام

۱. همان، ص ۳۵۳.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۲۸؛ فهرست الطوسی، ص ۴۰۶.

۳. رجال النجاشی، ص ۹۲؛ فهرست الطوسی، ص ۶۴.

۴. فهرست الطوسی، ص ۴۱۵.

به نقل بی واسطه از ایشان در دست نیست. آیه الله خوبی معتقدند که نبودن روایت مستقیم از امامان علیهم السلام منافاتی با این ندارد که علی بن ابراهیم در زمره اصحاب امام هادی علیه السلام باشد.^۱ او از افراد مورد وثوق و قابل اعتماد در احادیث و روایات است و مذهب و افکار اعتقادی او کاملاً صحیح است.^۲

علی بن ابراهیم در نگارش و تألیف، زبردست بوده و آثار متعددی از خود برجای گذاشته که گویا جز کتاب التفسیر او، آثار دیگری در گذر زمان از بین رفته است. از جمله آثاری که برای او ذکر شده است، عبارت است از: التفسیر، قرب الإسناد، المناقب و...^۳ وی از اساتید و مشایخ بی واسطه علی بن بابویه محسوب می شود.

ابن بابویه در کتاب خود، چهار مورد از اسناد احادیثش را با نام علی بن ابراهیم آغاز نموده است که همه این احادیث با سند: «علی بن ابراهیم عن ابيه عن محمد بن أبي عمير» آغاز شده اند:

حدیث ۶۰. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ أَوْ غَيْرِهِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام، قَالَ: قُلْتُ لَهُ.

حدیث ۶۱. وَعَنْهُ [علی بن ابراهیم]، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، قَالَ.

حدیث ۶۲. وَعَنْهُ [علی بن ابراهیم]، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا، قَالَ: قُلْتُ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ.

حدیث ۷۳. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام.

طبق قرینه دوم (اشتراک اسناد احادیث ۶۰، ۶۱، ۶۲ و ۷۳ تا ابن ابی عمیر با یکدیگر)، پنجم و هفتم^۴ به نظر می رسد که مصدر مکتوب اخذ این احادیث، کتاب الاحتجاج فی الإمامه^۵ و یا الإمامه^۶ ابن ابی عمیر باشد. به نظر می رسد این دو عنوان به یک کتاب اشاره

۱. معجم رجال الحديث وتفصيل الرواة، ج ۱۱، ص ۱۸۹.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۶۰.

۳. همان؛ رجال الطوسی، ص ۲۶۶.

۴. رجال النجاشی، ص ۲۶۰؛ فهرست الطوسی، ص ۴۰۴.

۵. رجال النجاشی، ص ۳۲۶.

۶. فهرست الطوسی، ص ۴۰۴.

دارد. در واقع، ابن ابی عمیر، صاحب یک کتاب در زمینه امامت است که با دو عنوان از آن یاد شده است.

۶. نقل ابن بابویه از حمزه بن قاسم

حمزة بن قاسم، مکنی به «ابوعلی» از نوادگان حضرت عباس علیه السلام است که نسبش با پنج واسطه به ایشان علیه السلام می‌رسد. حمزه به دلیل انتساب به امام علی علیه السلام به «علوی» و به دلیل انتسابش به حضرت عباس علیه السلام به «عباسی» شهرت دارد.^۱ وی از اصحاب ثقه، جلیل القدر و کثیرالحدیث به شمار می‌آید. آثار او، نشان از تخصص او در رشته‌های فقه، کلام، تاریخ و رجال دارد. از تألیفات وی می‌توان به کتب: من روی عن جعفر بن محمد علیه السلام، التوحید، الزیارات و المناسک و الرد علی محمد بن جعفر الاسدی اشاره نمود.^۲

علی بن بابویه در این کتاب، یک حدیث را با نام او آغاز نموده است:

حدیث ۳۷. حَمَزَةُ بْنُ الْقَاسِمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بُهْلُولٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَسَّانَ الْوَاسِطِيِّ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ كَثِيرٍ الْهَاشِمِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام.

محتمل است این حدیث از کتاب النوادر بکر بن عبدالله گرفته شده باشد.^۳ احتمال نقل شفاهی از حمزه بن قاسم را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت.

۷. نقل ابن بابویه از حسن بن أحمد مالکی

شیخ طوسی در کتاب رجال خود وی را از اصحاب امام عسکری علیه السلام شمرده است.^۴ در دیگر منابع اصلی رجال عنوان ندارد و در مواضعی به عنوان واسطه نقل از او یاد شده است.^۵ تألیفی در منابع فهرستی به وی نسبت داده نشده است.

ابن بابویه، یک مورد از اسناد احادیثش را با نام وی آغاز نموده است:

حدیث ۵۲. الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِكِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُؤْتَلِ: عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام، قَالَ.

۱. رجال الطوسی، ص ۴۲۴؛ معجم رجال الحدیث وتفصیل الرواة، ج ۷، ص ۲۹۰.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۴۰.

۳. همان، ص ۱۰۹.

۴. رجال الطوسی، ص ۳۹۸.

۵. از جمله رک: رجال الطوسی، ص ۱۹؛ رجال النجاشی، ص ۲۱۷؛ درباره او نیز رک: معجم رجال الحدیث وتفصیل

الرواة، ج ۵، ص ۲۷۲.

این حدیث - که مبتلا به ارسال در سند نیز هست^۱ - در دیگر مصادر حدیثی وارد نشده است؛ هرچند مضمون آن در ضمن احادیثی در برخی مصادر از پیامبر اکرم ﷺ و امام سجاد علیه السلام نقل شده است.^۲ با توجه به این که در کتب فهرستی به حسن بن احمد مالکی و علی بن مؤمل، تألیفی نسبت داده نشده است، می توان ادعا نمود که علی بن بابویه، این حدیث را از استاد خود، حسن بن احمد به صورت شفاهی دریافت کرده است.

۸. نقل ابن بابویه از محمد بن موسی همدانی

حدیث ۷۴. مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ، عَنْ مُؤَدَّبٍ كَانَ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام، أَنَّهُ قَالَ. نجاشی به تضعیف محمد بن موسی همدانی از سوی قمیان به اتهام غلو اشاره کرده از ابن ولید نقل کرده که محمد حدیث وضع می کرده است. وی در این خصوص به جمله «و الله اعلم» اکتفا نموده و نفیاً یا اثباتاً اظهار نظری نکرده است.^۳ نجاشی همچنین در ترجمه محمد بن احمد بن یحیی به این نکته اشاره می کند که ابن ولید منقولات از محمد بن موسی همدانی را از روایات محمد بن احمد بن یحیی استثنا کرده و آن را روایت نمی نمود. وی همچنین به تأیید این موضع از ناحیه ابن نوح اشاره کرده است.^۴

در هرروی، به قرینه سندی در رجال الکشی، مراد از محمد بن موسی در سند حدیث فوق، همان محمد بن موسی همدانی است که با علی بن محمد بن قتیبه هم طبقه بوده است.^۵ نیز، به قرینه نقلی مشابه در بصائر الدرجات، ابی جعفر در سند این حدیث باید تصحیفی از ابی الحسن باشد که مراد از آن، امام هادی علیه السلام است.^۶ دواثری که در منابع فهرستی به محمد بن موسی همدانی نسبت داده اند، با محتوای این حدیث ارتباطی ندارد^۷ و محمد بن قتیبه نیز، در منابع فهرستی عنوان نشده است. بنابراین، حدیث ۷۴ از یافته های شفاهی ابن بابویه از محمد بن موسی تواند بود.

۱. زیرا علی بن بابویه (م ۳۲۹ق) نمی تواند با دو واسطه از امام موسی بن کاظم علیه السلام (م ۱۸۳ق) روایت نماید.

۲. رک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳ و ۳۱۹.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۳۸.

۴. همان، ص ۳۴۸.

۵. رجال الکشی، ص ۲۱۰؛ قس: رجال النجاشی، ص ۳۳۸.

۶. رک: بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ص ۴۶۷.

۷. رک: رجال النجاشی، ص ۳۳۸.

۹. نتیجه

در بررسی و تحلیل منقولات علی بن بابویه از شش تن از مشایخ خود در الإمامة و التبصرة من الحیة، نتایج کلی زیر به دست آمد:

۱. محتمل‌ترین منابع مورد استفاده ابن بابویه درباره پانزده حدیث منقول از حمیری، کتاب‌های: الغیبه، الإمامة ویا الفترة و الحیة وی، در هفت مورد از منقولات احمد بن ادریس، کتاب‌های: النوادر احمد بن ادریس، الإمامة محمد بن احمد بن یحیی و الإمامة یونس بن عبدالرحمن، در چهار حدیث منقول از علی بن ابراهیم، کتاب الإمامة ابن‌ابی عمیر و در حدیث حمزه بن قاسم، کتاب النوادر بکر بن عبدالله است. احادیث منقول از حسن بن احمد مالکی و محمد بن موسی نیز، به صورت شفاهی اخذ شده‌اند.

۲. مصادری که نسبت به عصر علی بن بابویه، کهن‌تر محسوب می‌شوند و محتمل است مصادر مورد استفاده وی از آن‌ها بهره برده باشند، عبارت است از: الإمامة محمد بن حسین بن‌ابی‌الخطاب، الإمامة و تفسیر القرآن محمد بن عیسی بن عبید، التفسیر محمد بن خالد برقی، الملاحم یا التفسیر صفوان بن یحیی، التفسیر، القائم ویا الملاحم علی بن مهزیار، الغیبه یا البشارات حسن بن سماعه، الملاحم یا التفسیر حسین بن سعید، التفسیر فی القرآن و النوادر، الملاحم یا الطرائف محمد بن سنان، الرد علی الواقفیه حسن بن موسی خشاب، النوادر یعقوب بن یزید، کتاب نضر بن سُوید، کتاب یحیی حلبی، کتاب محمد بن عبدالجبار و النوادر محمد بن عبدالحمید.

۳. داده‌های فهرستی که از اسانید احادیث مورد مطالعه استخراج شد، مشتمل بر موارد زیر است:

۳-۱. طبق سند حدیث ۲۰، می‌توان گفت کتب حسن بن سماعه به طریقی غیر از آنچه در فهرس ذکر شده است، به دست ابن بابویه رسیده است. به عبارت دیگر، سند این حدیث می‌تواند طریقی دیگری بر انتقال کتب حسن بن سماعه باشد.

۳-۲. به نظر می‌رسد علی بن مهزیار به استناد سند حدیث ۳۲، در طریقی انتقال کتب حسین بن سعید و یا محمد بن سنان قرار دارد؛ هر چند در کتب فهرستی به آن اشاره‌ای نشده است.

۳-۳. احتمالاً کتب صفوان بن یحیی مطابق با سند حدیث ۷۵، به دست ابن بابویه رسیده است. به عبارت دیگر، سند این حدیث نیز، طریقی دیگری بر انتقال کتب صفوان بن

یحیی است.

۳-۴. درباره حدیث ۸۳، به نظر می‌رسد کتب علی بن مهزیار مطابق با سلسله سند این حدیث، به دست ابن بابویه رسیده که در منابع فهرستی ذکر نشده است.

۳-۵. نیز، می‌توان گفت کتاب الإمامه یونس بن عبدالرحمن بر اساس سند حدیث ۱۳، به دست ابن بابویه رسیده است. به عبارت دیگر، سند این حدیث، طریق دیگری بر کتاب یونس بن عبدالرحمن است که در کتب فهرستی بیان نشده است.

۳-۶. همچنین، مطابق سند حدیث ۳۷، می‌توان ادعا نمود حمزه بن قاسم از مشایخ بی‌واسطه علی بن بابویه محسوب می‌شود که تاکنون در هیچ کتاب فهرستی و رجالی به آن اشاره‌ای نشده است.

کتابنامه

الإمامه و التبصره من الحیره، علی بن حسین بابویه، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۴ق.

بازسازی متون کهن حدیث شیعه، سید محمد عمادی حائری، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۴ش.

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عليهم السلام، محمد بن حسن صفار قمی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن حسین حرعاملی، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ق.

خاتمه مستدرک الوسائل، حسین نوری طبرسی، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۵ق.

رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین، ۱۳۷۳ش.

رجال العلامة الحلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی، نجف اشرف: بی‌نا، ۱۴۱۱ق.

رجال الکشی (إختیار معرفة الرجال)، محمد بن عمر کشی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.

الرجال، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین بقم المشرفه، ۱۳۶۵ش.

الرواشح السماویه، محمد باقر بن محمد میرداماد، تحقیق: غلام حسین قیصریه‌ها و نعمت الله جلیلی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.

علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه قمی، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ش.

- الفوائد المدنية و الشواهد المكيه، محمدا مين استرآبادى، تحقيق: رحمت الله رحمتى اراكى، قم: موسسه النشر الإسلامى، ۱۴۲۴ق.
- فهارس الشيعة، مهدي خداميان الآرانى، قم: موسسه تراث الشيعة، ۱۳۸۹ش.
- فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول، محمد بن حسن طوسى، قم: مكتبة المحقق الطباطبائى، بى تا.
- الكاتب النعمانى و كتابه الغيبه، محمد جواد شبيرى زنجانى، فصل نامه علوم حديث، ۱۴۱۹ق، ش ۴، محرم-جمادى الثانيه، ص ۱۸۸-۲۰۸.
- الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
- كمال الدين و تمام النعمه، محمد بن على بن بابويه قمى، تهران: اسلاميه، ۱۳۹۵ق.
- مشرق الشمسین و اكسير السعادتین، محمد بن حسين بهايى عاملى قم: مكتبه بصيرتى، بى تا.
- معجم رجال الحديث و تفصيل الرواة، سيد ابوالقاسم خويى، بى جا: بى نا، ۱۳۷۲ش.
- مقدمه الإمامة و التبصرة من الحيرة، سيد محمدرضا حسینی جلالی، ۱۴۰۴ق.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن على بن بابويه قمى، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: موسسه النشر الإسلامى، ۱۴۰۴-۱۴۱۳ق.
- مهدويت نگارى در سده های نخستین، محمد معرفت، قم: دانشگاه اديان و مذاهب، ۱۳۹۹ش.
- الوافى، محمد محسن فيض كاشانى، اصفهان: مكتبه الإمام اميرالمؤمنين عليه السلام، ۱۴۰۶ق.
- «بازشناسى مصادر احاديث كتاب الغيبه نعمانى»، محمد معرفت و محمد غفورى نژاد، شيعه پژوهى، ۱۳۹۷ش، ش ۱۴، ص ۵-۲۶.
- «بازشناسى مصادر حديث كتاب الغيبه نعمانى»، محمد معرفت و محمد غفورى نژاد، شيعه پژوهى، ۱۳۹۷ش، سال ۴، ش ۱۴، بهار و تابستان، ص ۵-۲۶.
- «بازشناسى مصادر كتاب الغيبه طوسى»، محمد مسعودى، انتظار موعود، ۱۳۸۸ش، ش ۲۸، ص ۱۳۳-۱۵۲.
- «بازشناسى منابع كلينى در تدوين كافي»، عبدالرضا حمادى و سيد عليرضا حسينى، حديث پژوهى، ۱۳۹۳ش، ش ۱۱، ص ۱۸۱-۲۰۶.
- «تبارشناسى روايات اعتقادى الكافى»، اسماعيل اثباتى و سيد كاظم طباطبائى پور،

- کتاب قیم، ۱۳۹۶ش، ش ۱۷، ص ۲۵۶-۲۸۸.
- «تدوین حدیث»، مجید معارف، محسن معینی و لیلا هوشنگی، در دانش نامه جهان اسلام، زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، ج ۶، ص ۷۴۹-۷۵۵، ۱۳۹۳ش.
- «حدیث شناسی الإمامه و التبصره من الحیره»، نجم الدین طوسی و محمد مهدی لطفی، انتظار موعود، ۱۳۸۵ش، ش ۱۸، بهار و تابستان، ص ۱۷۹-۲۰۸.
- «عرضه حدیث بر امامان علیهم السلام: قسمت اول»، عبدالهادی مسعودی، علوم حدیث، ۱۳۷۶ش، ش ۹، ص ۲۹-۵۴.
- «عرضه حدیث بر امامان علیهم السلام: قسمت دوم»، عبدالهادی مسعودی، علوم حدیث، ۱۳۷۷ش، ش ۹، ص ۱۲۰-۱۶۹.
- «کاربرد له روایات و ارتباط آن با کتب النوادر»، احسان سرخه‌ای، علوم حدیث، ۱۳۹۵ش، ش ۸۱، پاییز، ص ۹۸-۱۲۵.
- «کتاب حلبی منبعی مکتوب در تألیف الکافی»، احسان سرخه‌ای، علوم حدیث، ۱۳۸۸ش، ش ۵۱، ص ۳۴-۵۸.
- «منبع معتبر و نشانه‌های آن نزد محدثان متقدم امامی: نگاهی به جایگاه منبع مکتوب در حدیث پژوهی قدما»، حمید باقری، در: پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۱۳۹۳ش، ش ۱، ص ۱-۲۶.
- «نگاهی به نقش و جایگاه مؤلفه‌های کتاب محور در ارزیابی‌های حدیثی قدما در پرتو تحلیل منابع فهرستی»، حمید باقری، علوم حدیث، ۱۳۹۲ش، ش ۶۸، ص ۳-۲۸.
- «واکاوی زمینه‌های اعتبارسنجی منبع محور در تاریخ حدیث امامیه و اهل تسنن»، وحید صفا و سید محمد جواد شبیری، مطالعات اعتبارسنجی احادیث شیعه، ۱۳۹۹ش، ش ۳، بهار و تابستان، ص ۸۵-۱۱۴.